خبر

کدخدایی اعلام کرد

تاییدصلاحیت ۵۵درصدی نامزدهای انتخابات مجلس

■ **خبرآنلاین:** سخنگوی شورای نگهبان در جلسه هفتگی خود با خبرنگاران آمار اولیه بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس را اعلام کرد. عباسعلی کدخدایی گفت که تایید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس نهم نسبت به انتخابات مجلس هشتم افزایش ۱۷درصدی داشته است. وی با اعلام اینکه در حال حاضر شورای نگهبان در فرصت بررسی صلاحیت‌ها قرار دارد، گفت: تا یکم بهمن نوبت رسیدگی در هیات‌های نظارت استانی بود که پیش از آن نیز بررسی صلاحیت‌ها در هیات‌های اجرایی انجام و نتایج به هیات‌های استانی اعلام شد. سخنگوی شورای نگهبان اضافه کرد: پس از طی این مرحله، طبق قانون انتخابات از دوم تا ۲۱ بهمن به مدت ۲۰روز نوبت دریافت شکایات و رسیدگی به صلاحیت‌ها در شورای نگهبان است. این رسیدگی‌ها مربوط به کسانی خواهد بود که نسبت به رسیدگی صلاحیت خود در مراحل گذشته اعتراض دارند. وی ادامه داد: پنج هزار و ۳۸۲ نفر برای مجلس نهم ثبت‌نام کردند که از میان آنان ۳۳۳ نفر انصراف دادند و ۱۷۲ نفر نیز پس از آنکه هیات‌های اجرایی عدم صلاحیت آنان را اعلام کردند، هیچ شکایتی نکردند. کدخدایی گفت: در مجموع نیز ۵۵درصد تایید صلاحیت شدند. شورای نگهبان طبق قانون وظیفه رسیدگی به شکایات را نیز بر عهده دارد. تایید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس نهم نسبت به دور هشتم به لحاظ آماری با ۱۷درصد افزایش همراه بوده است. وی با بیان اینکه ۱۲۰۰ داوطلب ثبت‌نام‌شده در هیات‌های اجرایی عدم تایید صلاحیت شدند و صلاحیت کمتر از یک هزار نفر نیز احراز نشد، تصریح کرد: تلاش بر این است که رقم عدم احراز داوطلبان نمایندگی مجلس را به یک‌سوم برسانیم. سخنگوی شورای نگهبان تاکید کرد: اگر در فرصت تبلیغات یا قبل از آن اقدامی مغایر با قانون صورت بگیرد و این اقدام بر سرنوشت آرای حوزه انتخابیه موثر باشد، شورای نگهبان هم در مرحله تایید صلاحیت داوطلبان و هم بعد از برگزاری انتخابات و در زمان بررسی وضعیت حوزه‌های انتخابیه به این موضوع توجه خواهد داشت. وی در پاسخ به این سوال که چرا برخی از نمایندگان فعلی مجلس به دلیل عدم التزام به ولایت فقیه و قانون اساسی رد صلاحیت شده‌اند؟ گفت: به صورت مکرر توضیح داده‌ایم که عدم احراز صلاحیت‌ها براساس آنچه در قوانین ۲۸، ۲۹ و ۳۰ انتخابات کشور آمده است صورت می‌گیرد و شرایط مندرج در آنها باید از سوی همه نامزدها احراز شود. بند یک ماده ۲۸ قانون اساسی عدم التزام به اسلام را مطرح می‌کند. عدم احراز صلاحیت براساس این بند به معنای آن نیست که فردی مسلمان نیست و ما نیز چنین ادعایی نداریم. اگر فردی بخشی از وظایف شرعی و قانونی خود را انجام ندهد التزام عملی او به اسلام مخدوش می‌شود یعنی فرد ممکن است نماز بخواند ولی جرم دیگری انجام دهد. وی ادامه داد: عدم احراز صلاحیت نامزدها براساس گزارش‌های رسمی صورت می‌گیرد. ممکن است فردی نمازخوان باشد اما مرتکب کلاهبرداری یا جرم دیگری شود که از نظر ما صلاحیت او احراز نمی‌شود.

عماد افروغ در گفت‌وگو با «شرق»:

مکتب ایرانی، فرصت‌طلبی است

ادامه از صفحه اول

چه شکافی؟ می‌توانید توضیحی بدهید؟

شکافی که هم در عرصه اقتصاد، هم در عرصه سیاست و هم در عرصه فرهنگ شاهد آن هستیم به تدریج احساس می‌شود که بین عرصه مدنی، اجتماعی، نقد و غیررسمی ما از یک سو و عرصه قدرت رسمی ما از سوی دیگر یک فاصله ایجاد کرده و این هشدار و زنگ خطر است. به لحاظ اقتصادی قرار بود با تحقق سیاست‌های اصل ۴۴ و با هدفمند کردن یارانه‌ها، شاهد مشارکت اقتصادی عرصه اجتماعی، به‌ویژه در بخش تولید باشیم، اما دیدیم که نه اصل ۴۴ خوب پیش رفت و نه حتی هدفمند کردن یارانه‌ها، بخش‌خصوصی را تقویت و آزاد از دولت و پربار کرد، بلکه این بخش به دلیل مغفول ماندن وجه تولیدی هدفمند کردن یارانه‌ها بیشتر به دولت وابسته شد، اگر نگوییم به تعطیلی کشیده شد. به لحاظ سیاسی هم به‌تدریج به سمتی می‌رویم که در واقع آن بدنه گرم و جوشان اجتماعی، به صورتی مستقیم و غیرمستقیم کنار زده شده است. شاید مستقیم و در تبلیغات این‌طور نباشد اما عملا ما می‌بینیم که کنار زده شده است و در عرصه‌های مختلف می‌توان این کنار زده شدن را نشان داد.

جامعه را باید درگیر در سیاست خود کرد. این درگیری و حضور می‌تواند در ابعاد مختلف خودش را نشان دهد. اما متاسفانه به نظر می‌رسد، سازوکارهایی در جامعه ما تعبیه شده که این اتصال ارگانیک و دیالکتیک بین عرصه اجتماعی و عرصه سیاسی رسمی کم رنگ شده است و ما را عملا با پارادوکس‌هایی روبه‌رو کرده است. در عرصه فرهنگ هم همین‌طور است. در عرصه فرهنگ هم به نظر می‌رسد که آن حیات پرنشاط و جوشان مدنی و فرهنگی و هویتی مردم نمودی ندارد و این مساله می‌تواند خودش را در قالب تصدی‌گری، نظارت و اجرا نشان دهد. یعنی عده‌ای بدون توجه به ضرورت چرخه دیالکتیک بین عرصه غیررسمی و رسمی، خود را متولی و وکیل و وصی فرهنگی مردم در ابعاد تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و حتی نظریه‌پردازی می‌دانند. اینها خطاست. ما باید واقعا متوجه این معنا بشویم که جامعه نیازمند یک چرخه دیالکتیک است. باید یک چرخه دیالکتیکی بین عرصه داغ اجتماعی و عرصه نسبتا خنک و منجمد رسمی وجود داشته باشد و ما باید این چرخه دیالکتیک را فهم و تقویت کنیم. ما در علم‌مان چرخه دیالکتیک نداریم، در اقتصادمان نداریم، در سیاستمان نداریم، در فرهنگ‌مان نداریم. ممکن است بگویید دنیا هم ندارد، نداشته باشد مگر کعبه آمال و آرزوهایمان غرب است. من از منتقدان جدی غرب با روایت خاص آن هستم، اما نه به لحاظ صوری و شعاری که شعار ضدغرب بدهیم اما تا نوک پنجه‌مان غربی باشد. بنابراین مراد ما غرب نیست، اما ممکن است از تجارب غرب هم استفاده کنیم. ممکن است من هم به غرب انتقاداتی داشته باشم و بگویم شما هم جامعه مدنی فعالی ندارید، اولا جامعه مدنی شما قطبی و در خدمت نظام سرمایه‌داری است و ثانیا اسیر انواع و اقسام بحران‌ها از جمله بحران مشروعیت ناشی از دخالت عرصه رسمی سرمایه‌داری و عقل ابزاری در عرصه مدنی یا عقل ارتباطی هستید. ما خواهان قطبی‌شدگی جامعه مدنی نیستیم. ما می‌گوییم جامعه مدنی ما طیفی است اما با دخالت‌های عرصه رسمی و برخی جریانات سیاسی به ظاهر قطبی شده، اجازه بروز و ظهور ندارد. به نظر من در این بین باید حلقه واسطی وجود داشته باشد که بیاید و این شکاف را پر کند که نمی‌دانم چرا آن حلقه واسط وجود ندارد، نمی‌دانم چرا فعال نیست، چرا نمود ندارد.

این حلقه واسط که از آن سخن می‌گویید، چیست؟

این حلقه واسط عمدتا به روشنفکران و عالمان درد آشنا برمی‌گردد. یعنی کسانی که فهم می‌کنند، رصد می‌کنند و شاخک‌های تیزی دارند، واقف و مشعر به نیازها و حقوق واقعی مردم هستند و در برابر القائات و اغوائات از طریق آگاهی‌بخشی ایستادگی می‌کنند. احساس می‌کنم این حلقه هم روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شود. به هرحال به طور خلاصه می‌گویم مکانیزم‌هایی که در نظام سیاسی ما به کار گرفته می‌شود، هیچ ربطی به قانون اساسی ندارد و به گونه‌ای شکاف‌ها را زیاد می‌کند.

یعنی در واقع فکر می‌کنید مانع اصلی که در حال حاضر برای مشارکت وجود دارد، بیشتر ساختاری‌باشد؟

من همه عوامل را عرض کردم، یکی اینکه ممکن است ما فهم خوبی از فلسفه سیاسی معطوف به مردم‌سالاری دینی نداشته باشیم و اجازه دهیم مفسرانی بیایند که هیچ جایگاهی در شکل‌گیری مبانی تئوریک انقلاب نداشتند و امام هم همیشه آنها را مهار می‌کردند، یعنی کسانی که حق مردم و اختیار مردم را برنمی‌تابند، کسانی که به مردم نگاه ابزاری می‌کنند و اگر این نگاه ابزاری به نام دین باشد به مراتب مخرب‌تر است.

ما توقع داریم شهروندان ما فقط خود فردی‌شان را نبینند، جامعه را هم ببینند، مسوولیت و اخلاق اجتماعی را احساس و درک کنند، اما وقتی شما آنها را به بازی بگیرید و مشارکت دهید، آنها هم مصالح ملی را بهتر درک می‌کنند، اما اگر آنها را به بازی نگرفتید آنها هم مقاومت می‌کنند. در واقع می‌خواهم بگویم که باید نگاهی درهم تنیده و منظومه‌ای به حق و تکلیف در عرصه‌های مختلف داشت. بخشی از آن فلسفی، ذهنی و فرهنگی است و بخشی هم ساختاری و حکومتی است. متاسفانه ما به طور عمده از بخش ساختاری‌اش رنج می‌بریم، یعنی ظرفی در ایران وجود دارد که از گذشته به ارث رسیده و ما محتوا و مظروف گران‌سنگی به نام انقلاب اسلامی را می‌خواهیم در این ظرف محقق کنیم که امکان‌پذیر نیست. این ظرف به اصطلاح رابطه قدرت ثروت و تمرکزگرایی، همراه با برخی شاخص‌های فرهنگی و تاریخی آن از جمله فرّه ایزدی مستعد این مظروف نیست و ما به جای اینکه ظرف تاریخی خودمان را بسط دهیم، مظروف را قبض و محدود می‌کنیم و چون ظرف مدنی‌مان را متناسب با این مظروف گران‌سنگ بسط نمی‌دهیم، بیم آن دارم که همان گونه که اشاره شد، برخی از مظروف‌های متناسب با این ظرف خودش را بازسازی و بازتولید کند. قبل از اسلام وفاداری به شاه عامل هویت بود، اما با ورود اسلام قواعد و مذهب و اصول مبنای هویت شد. با انقلاب اسلامی هم همین اتفاق افتاد. یعنی قواعد و آموزه‌ها و اصول اساس هویت هستند نه شخص. علتش هم این است که ما توجه نداریم که این ظرف، ظرف مناسبی برای انقلاب اسلامی نیست. این ظرفی است که به نظر من در درازمدت انقلاب اسلامی را دچار آسیب می‌کند. اتفاقاتی هم که قرار بود با انقلاب رخ دهد، بخشی برای این بود که این ظرف تغییر پیدا بکند. متاسفانه این ظرف مناسب نیست و هنوز آن تغییرات لازم به وجود نیامده است. البته بخشی هم مربوط می‌شود به آن سازوکارهایی که ما در ارتباط با تحقق قانون‌اساسی به کار گرفته‌ایم. این سازوکارها مساله دارد. گفته شد که این بدنه اجتماعی و مدنی باید در عرصه‌های مختلف نمود داشته باشد. مثلا در عرصه رسمی یکی از این نمودها برمی‌گردد به مجلس خبرگان. به نظر من این یک نکته‌ای است که باید به آن توجه شود و ما باید عطف به یک‌سری صلاحیت‌های عمومی که قانون دایره آن را مشخص کرده است، اجازه دهیم خبرگان غیرفقهی ما هم در این مجلس نمود داشته باشند. این واقعا باعث می‌شود در شناسایی مسایل، چالش‌ها و مشکلات موفق‌تر باشیم و در واقع یک خبرگان فعال و جامع داشته باشیم. البته این فقط یک نظر است و بنده در مورد سازوکارهایش نظری ندارم و اتفاقا بیم آن را دارم که بار دیگر فرمالیسم علمی و کور کشور وارد عمل شود و شاخص‌های پوسیده و غیردیالکتیک خود را به مردم تحمیل کند. اما این نگرانی را کمتر در مورد حوزه‌های علمیه با توجه به عقبه زیست جهانی و تاریخی آن دارم.

> **بهتر است خبرگان غیرفقهی هم در مجلس خبرگان باشند**
>
> ■■■
>
> **از دل جریان دوم خرداد فضای بسته مقتدر همراه با توجیهات مذهبی عده‌ای بیرون آمد**
>
> ■■■
>
> **فهم خوبی از انقلاب نداریم**
>
> ■■■
>
> **اگر از انقلاب درک درستی داشتیم شاهد نگاه فرمایشی و صوری به مردم نبودیم**

نکته دوم هم این است که چرا باید صلاحیت فقهی فقها را شورای نگهبان تعیین کند؟ این توجیه خودش را باید داشته باشد. اگر ما می‌خواهیم که کشور فقهی اداره شود، یعنی قاعده‌مند و منضبط اداره شود باید از تمام پتانسیل‌های مراجع عظام و حوزه‌ها استفاده شود. اولین باری که در زمان مشروطه و مجلس دوم، اصل متمم قانون اساسی مطرح می‌شود تعدادی از فقها (علمای طراز اول) بر مصوبات مجلس نظارت می‌کردند، آیات عظام خراسانی و مازندرانی ۲۰ نفر را معرفی کردند و به حکم قرعه پنج نفر انتخاب شدند. بحث من این است که حوزه درگیر بود. حالا چه توجیهی وجود دارد که ما اجازه نمی‌دهیم مراجع، خودشان فقها را به مردم معرفی کنند و پس از احراز یک‌سری صلاحیت‌های عمومی از سوی شورای نگهبان، مردم انتخاب کنند. ما احراز صلاحیت‌های عمومی را در مورد نمایندگان هم داریم، ما در مورد خبرگان غیرفقیه پیشنهادی نیز این را می‌گوییم. اما اجازه دهیم که میزان ملاک احراز فقاهت توسط خود مراجع تعیین شود که باعث می‌شود مراجع در سرنوشت و اداره فقهی کشور که یکی از ضرورت‌های مغفول جامعه است و به کرات مورد تاکید امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری است، درگیر شوند. این باعث می‌شود فقه سیاسی زمین‌مانده و مغفول ما پویا و فعال شود. شاید اگر مقام معظم رهبری آن صحبت‌ها را در کرمانشاه نمی‌کردند، امروز من هم احساس نمی‌کردم مجالی برای این صحبت‌ها باشد. ولی بحث نظام ریاستی یا پارلمانی و آزاداندیشی ایشان فرصتی به دست می‌دهد تا انسان بتواند حرف‌هایش را برای ارزیابی انتقادی دیگران بزند. نکته دیگر مربوط به سازوکار تعیین صلاحیت نمایندگان است. قطع نظر از بی‌اخلاقی‌ها و بد اخلاقی‌های رسانه‌ای و امکان اعمال سلیقه جناحی هیات‌های اجرایی که در مورد رد صلاحیت‌های اخیر شاهدش بودیم، بخشی از این سازوکارها مربوط به حوزه اختیارات شورای محترم نگهبان است. احتمالا ما می‌توانیم از یک سازوکار معقول‌تری استفاده کنیم. سال‌ها پیش قبل از نمایندگی بنده در مجلس هفتم به اتفاق یکی از اعضای محترم شورای نگهبان و مرحوم دکتر شهیدی و یکی دیگر از استادان به منظور سخنرانی درخصوص مهدویت به یکی از شهرستان‌های کشور رفته بودیم. در هنگام صرف صبحانه بنده خطاب به این عزیز شورای نگهبان به یکی از سازوکارهای موجود در یکی از کشورها برای احراز صلاحیت اشاره کردم، مبنی بر اینکه هرکس کاندیدا می‌شود باید فهرستی از افراد شناخته و تعریف شده برای مثال عالمان و استادان دانشگاه، معلمان و فرهنگیان، رجال سیاسی و... که او را برای این سمت تایید می‌کنند، با خود همراه داشته باشد. وی در جواب فرمودند عقلا چیز خوبی است اما دست‌مان به لحاظ قانونی بسته است. درواقع ما باید از هر چیزی که کشور را از چرخه دیالکتیک مزبور دور می‌کند، پرهیز کنیم و هرچه این چرخه دیالکتیک را فعال‌تر و با نشاط‌تر می‌کند باید از آن استقبال کرد.

ادامه در صفحه ۱۶

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **خودروهای بدون ترمز:** خودروهای پژو ۲۰۶ صندوقدار دنده اتوماتیک و پژو ۲۰۷ دنده اتوماتیک ترمزهایشان اشکال دارد و به اصطلاح چوب می‌کند و درجا عمل نمی‌کند. برای رفع نقص فنی به نمایندگی مجاز رفتیم، متصدی مربوطه گفت که این خودروها این اشکال را دارد و قابل تعمیر نیست و باید راننده بیشتر مواظب باشد! امیدواریم مسوولان ایران‌خودرو پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این نقص مهم که به دلیل آن هر لحظه احتمال وقوع حوادث ناگواری وجود دارد، باشند.

علی از تهران

■ **تزریق فقط با نسخه:** بیمارستانی در خیابان کرمان منطقه ۱۴ شهرداری، بدون نسخه پزشک تزریقات انجام نمی‌دهد. این موضوع باعث مشکلات فراوانی برای بیماران شده است. از مسوولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تقاضا داریم مدیر بیمارستان را از به کار بردن سلیقه برای تزریقات که باعث اتلاف وقت مراجعان می‌شود، آگاه کنند

یک مخاطب

■ **گلایه از بالا بودن کرایه‌های تاکسی:** نرخ جابه‌جایی مسافران با تاکسی و سواری‌های مسافربر عادلانه نیست. مسافران برخی از خطوط مجبورند کرایه‌های سنگینی که شورای شهر تصویب و به رانندگان ابلاغ شده را پرداخت کنند. کرایه برخی از مسیرها از ۱۰۰۰تومان هم بیشتر است. امیدواریم اعضای شورای شهر هنگام تصویب نرخ تاکسی‌ها، مشکلات اقتصادی مردم را هم در نظر بگیرند و سپس نرخ‌ها را عادلانه تعیین کنند.

یک مخاطب

■ **جاده خطرناک:** جاده آق‌قلا- گرگان دست‌اندازهای فراوانی دارد. از مسوولان مربوطه تقاضای ترمیم آسفالت این جاده را داریم.

یک مخاطب

■ **نوشابه با طعم شربت اکسپکتورانت:** برخی از نوشابه‌ها مدتی است که طعم بدی پیدا کرده‌اند و مزه شربت اکسپکتورانت می‌دهند یا اینکه قیمت اکثر مواد خوراکی و محصولات مختلف طی ماه‌های گذشته افزایش پیدا کرده از جمله انواع نوشابه‌ها که از ۹۰۰ تومان در اوایل امسال به ۱۱۰۰ تومان رسید. بنابراین کاستن از کیفیت کالاها اجحاف و ظلم در حق مردم است.

محمدالوندی

■ **صدور گواهینامه موتور فقط در شهرک آزمایش:** گواهینامه موتور با توجه به درخواست‌های بیشماری که متقاضیان دارند فقط در شهرک آزمایش ارایه می‌شود. در صورتی که در تمام نقاط تهران حتی کوچه پس‌کوچه‌ها تریلرهایی برای توقیف و انتقال موتورها به پارکینگ مستقر شده‌اند. از مسوولان راهنمایی و رانندگی درخواست می‌شود که در چهارسوی کلانشهر تهران مراکز آزمون رانندگی موتوسیکلت دایر شود تا از سفرهای بیشمار درون‌شهری به این منظور کاسته شود و متقاضیان این موضوع نیز تکریم شوند.

علی‌اشرف‌خانلری